

### فصل اول: در فضیلت تزویج کردن و نهی از رهبانیت

بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از اخلاق پیغمبرانست دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم کسی را که درایمان چیزی زیاد شود او را مگر آنکه محبت زنان او را زیاد می‌شود و فرمود که هر که محبت زنان او را زیاد می‌شود فضیلت ایمانش بیشتر می‌شود.

در حدیث صحیح از حضرت امام رضا منقول است که سه چیز است که از سنت پیغمبرانست بوی خوش کردن و موهای زیادتی بدینرا ازاله کردن و زنان بسیار داشتن یا بسیار با ایشان مقاربت کردن. بسندهای معتبر بسیار از حضرت رسول منقول است که فرمود از دنیای شما اختیار کرده ام زنان و بوی خوش را و روشنی دیده من در نماز است.

در حدیث معتبر منقول است که سکین نخعی اختیار عبادت کرده بود و ترک زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و در این نامه بحضرت صادق نوشت آنحضرت در جواب نوشتند اما زنان، پس میدانی که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم چند عدد از زنان داشتند و اما طعام لذیذ پس رسول صلی الله علیه وآله وسلم گوشت و غسل تناول میفرمودند و حضرت رسول فرمود که هر که زنی بعقد خود در میآورد نصف دین خود را حفظ کرده است از خدا بپرهیزد و نصف دیگر و فرمود که بدترین مردهای شما عزبانند و فرمود که چه چیز مانع است مؤمن را از آنکه زنی بگیرد شاید خدا او را فرزندی روزی کند که سنگین کند زمین را بگفتن **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و فرمود که هر که خواهد متابعت سنت من بکند از سنت من زن خواستن است.

حضرت امام محمدباقر فرمود که خوشم نمیآید که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم و یکشب بی زن بخوابم پس فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا بکند بهتر از عزبیکه شبها تمام نماز بکند و روزها روزه باشد.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که ترک کدخدائی بکند از ترس پریشانی پس بتحقیق که گمان بد برده است بخدا زیرا که حقتعالی میفرماید **إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ** یعنی

اگر ایشان فقیران باشند بی نیاز میگرداند ایشان را خدا از فضل خود.

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن عثمان بن مظعون آمد بخدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و گفت یا رسول الله عثمان روزها روزه می باشد و شبها نماز میکند و بنزد من نمیآید حضرت غضبناک بنزدی عثمان آمدند و فرمودند که ای عثمان خدا مرا برهبانیت نفرستاده ولیکن بدین مستقیم سهل آسان فرستاده است روزه میگیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هر که دین مرا خواهد باید که بسنت من عمل کند و از سنت من نکاح زنان است.

در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سه زن آمدند بنزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم یکی گفت که شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند و از روی غضب ردای خود را بر زمین میکشیدند تا برمنبر آمدند و حمد و ثنای الهی گفتند و فرمودند که چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمیخورند و بوی خوش نمیپویند و نزدیک زنان نمیروند من گوشت میخورم و بوی خوش میپویم و بنزد زنان میروم و هر که سنت مرا نخواهد از من نیست.

در حدیث دیگر منقول است که زنی آمد بخدمت حضرت رسول و شکایت کرد که شوهرم بنزدیک من نمیآید حضرت فرمود که خود را خوشبو کن تا بنزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوش را نگذاشتم مگر آنکه خود را بآن خوشبو کردم و از من دوری میکند حضرت فرمود که اگر میدانست چه ثواب دارد در آمدن بنزد تواز تو دوری نمیکرد پس فرمود که چون متوجه جانب تو میشود دو ملک باو احاطه میکنند و ثواب آن دارد که شمشیر کشیده و در راه خدا جهاد کند پس چون با تو مجامعت کند گناهان از او میریزد چنانچه برگ از درخت میریزد پس چون غسل میکند از گناهان بدر میآید.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که دور رکعت نماز که کدخدا میکند برابر است با هفتاد رکعت نماز که عزب بکند.

### فصل دوم: در اصناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان

از حضرت صادق منقول است که زن بمنزله قلاده ایست که در گردن خود میافکنی پس ببین که چگونه قلاده برای خود میگیری و فرمود که زن صالحه و غیر صالحه هیچ یک قیمت ندارند، زن صالحه طلا و نقره قیمت و قدر او نیست بلکه او بهتر است او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر صالحه بخاک هم نمیآورد خاک بهتر از اوست و حضرت رسول فرمود که دختر بکفو و مثل خود بدهید و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفه خود زنیرا پیدا کنید که شایسته آن باشد که فرزند از او بهمرسانید.

در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق منقول است که هر که زنی بخواهد برای حسن و جمال یا از برای مال از هر دو محروم ماند و اگر از برای دین داری و صلاح او بخواهد حق تعالی مال و جمال او را روزی کند.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که زن باکره بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن مقبولی که فرزند نیاورد بخواهید که من مباحات میکنم بشما با امتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که فرزندان در زیر عرش الهی از برای پدران خود طلب آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ایشان را نگاهداری میکند و حضرت ساره ایشان را تربیت مینماید در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران.

در حدیث دیگر فرمود که دختران باکره بخواهید که دهنهای ایشان خوشبو تر و رحمهای ایشان خشک تر و پستانهای ایشان پر شیر تر است و فرزندان آورنده ترند مگر نمیدانید که مباحات میکنم بسیاری شما در روز قیامت حتی بفرزندی که ناتمام از شکم افتاده باشد او میآید و دشمنان بر در بهشت می ایستند پس حق تعالی میفرماید که داخل بهشت شو، می گوید که نمیروم تا پدر و مادرم پیش از من نروند، پس حق تعالی بملکی امر میفرماید که پدر و مادرش را بیاور داخل بهشت کن پس بطفل خطاب میفرماید که ایشانرا داخل بهشت کردم برای زیادتى رحمت من نسبت بتو.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که بخواه زن گندم گون فراخ چشم سیاه چشم بررگ سر میانه بالا پس اگر نخواهیش بیا مهر را از من بگیر.

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله وآله وسلم چو بخواستگاری زنی میفرستاد میفرمود که گردنش را بو کنند که خوشبو باشد و غوزک پایش پر گوشت باشد.

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از سعادت آدمی است که زن سفیدی داشته باشد و حضرت صادق فرمود که چون خواهید زنی را خواستگاری کنید از مویش بپرسید چنانچه از رویش میپرسید که نصف حسن مو است.

بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که بهتر بن زنان شما زنیست که فرزند بسیار آورد و دوست شوهر باشد و صاحب عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهرش ذلیل باشد و از برای شوهر خود زینت و بشاشت کند و از دیگران شرم کند و عفت ورزد، هر چه شوهر گوید شنود و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند آنچه از او خواهد مضایقه نکند اما بشوهر در نیویزد که او را به تکلف بر جماع بدارد بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما زنیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزند نیاورد و کینه ورز باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر غایب شود زینت کند و خود را بدیگران نماید و چون شوهر آید مستوری اظهار کند و سخنش را نشنود و اطاعتش نکند و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر صعب مضایقه کند از آنچه شوهر با او اراده دارد قبول نکند و از تقصیرش در نگذرد.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت زنی دارم که هرگاه بخانه میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون می آیم مشایعت میکند و چون مرا غمگین میبیند می گوید که چه غم داری اگر از برای روزی غم میخوری خدا متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر برای آخرت غم میخوری خدا غم تو را زایل میکند. حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد این زن از کارکنان خداست و نصف ثواب شهید دارد. در حدیث دیگر فرمود که بهترین زنان امت من آنست که خوش روتر و مهرش کمتر باشد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که خوبی زن آن است که مهرش کم باشد و زانیدنش آسان باشد و شومی

زن آنست که مهرش گران و زانیدنش دشوار باشد.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بهترین زنان شما زنان قریشند و مهربانترین زنانند بشوهران و رحیم ترین ایشانند بفرزندان و امانند بشوهران و باعفتند از دیگران و مصداق قریش در اینزمان ساداتند.

در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که خداوند عالمیان میفرماید که چون خواهم جمع کنم برای مسلمانی نیکیهای دنیا و آخر ترا باو میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر کنند و بدنی صبر کننده بر بلا و زن مؤمنه که هر گاه باو نظر کند شاد شود و چون غایب شود شوهر خود را نگاهداری کند و مال شوهر را ضایع نکند.

در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در بنی اسرانیل شخصی بود بسیار عاقل بیشمار داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه که در شکل و شمایل باو شبیه بود و دو فرزند داشت از زن دیگر که عفتی نداشت چون وقت فوت او شد گفت که همه مال من از یکی از شماها است ، چون مرد هر یک دعوی کردند که مال از من است بنزد قاضی رفتند قاضی گفت که بنزد آنسه برادر که بعقل مشهورند بروید پیش یکی از آنها رفتند مرد پیری بود گفت که بروید به نزد فلان برادر من که از من بزرگتر است ، بنزد او که رفتند نه پیر بود و نه جوان او گفت که بنزد برادر بزرگتر از من بروید چون بنزد او رفتند او را جوان یافتند پس اول سوال کردند بچه سبب برادر کوچکتر از همه پیرتر و تو از همه بزرگتری و از ایشان جوانتری گفت اما آن برادر کوچک زن بسیار بدی دارد و بریدیهای او صبر می کند که مبادا بلای دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد باین سبب از همه پیرت مینماید و اما آنبرادر دیگر زنی دارد که گاه گاهی خوشحالش می کند باین سبب میانه حال مانده است و من زنی دارم که همیشه مرا

خوشحال دارد و هرگز آزاده ام نمی کند باین سبب جوان مانده ام پس برادران حال خود را نقل کردند گفت اول بروید و استخوان پدر خود را بدر آورید و بسوزانید و بعد از آن بیایید تا در میان شما حکم کنم چون رفتند پسر کوچک شمشیری برداشت و برادرانش کلنگها برداشتند و چون بر سر قبر رسیدند آندو برادر

کلنگ بر قبر زدند که قبر را بشکافند برادر کوچک شمشیر کشید که نمی گذارم قبر پدرم را بشکافید و من از حصه خود گذشتم و مال را بشماها گذاشتم چون بنزد قاضی آمدند قاضی مالها را به پسر کوچک داد و بآنها گفت که اگر شماها هم فرزند او میبودید چنانچه برادر کوچک را شفقت فرزندى مانع شد از در آوردن و سوختن پدر، شما را هم مانع میشد.

### فصل سوم: در آداب نکاح و اراه آن

در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی اراده خواستگاری نماید دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی را بگوید و این دعا بخواند **اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَهُمْ فَرَجًا وَاحْفَظْهُمْ لِي فِي نَفْسِهِمَا وَمَالٍ وَأَوْسَعْنَهُنَّ رِزْقًا وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً وَقَدِّرْ لِي وَلَدًا طَيِّبًا تَجْعَلْهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي.**

در حدیث معتبر منقول است که سنتست تزویج در شب واقع شود.

در حدیث موثق منقول است که بحضرت امام محمد باقر علیه السلام خبر رسید که شخصی زنی خواست در ساعتی که هوا گرم بوده است، در میان روز، حضرت فرمود که گمان ندارم که میان ایشان اتفاق و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند.

در حدیث معتبر دیگر منقول است که عقد کردن در ماه شوال خوبست.

در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند.

در روایت دیگر منقول است که هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف کند بداند که فرزندی که منعقد شود پیش از تمام شدن سقط میشود.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است. و بدانکه مؤمنان را طلبیدن و میهمانی کردن در نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن سنت است. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است از سنت پیغمبرانست طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم چون میمونه را تزویج نمود ولیمه فرمود و جلس بمردم خورانید و آن چنگالی بوده است که از خرما و روغن و کشک میساخته اند.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که ولیمه روز اول لازم است و در روز دوم نیکی است و در روز سوم ریا و سمعه است و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون دختر ماءمون را عقد

کردند این خطبه را خواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اِقْرَارًا بِنِعْمَتِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اِخْلَاصًا لِّوَحْدَانِيَّتِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ  
بَرِيَّتِهِ وَالْأَصْفِيَاءِ مِنْ عِثْرَتِهِ أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيَّ الْإِنَامُ أَنْ أَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ  
سُبْحَانَهُ وَأَنْكِحُوا الْيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ  
وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

سایر خطبه های طولانی در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها را ندارد و در باب  
آداب صیغه نکاح رساله جدائی تاءلیف کردم.



### فصل چهارم: در بیان آداب زفاف و مجامعت

بدانکه زفاف کردن در وقتی که ماه در برج عقرب باشد یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در فرج زن در وقتی که حیض باشد یا با خون نفاس باشد حرام است و از مابین ناف تا زانو از ایشان تمتع بردن مکروه است و بعد از پاک شدن و پیش از غسل کردن جماع را نیز بعضی حرام میدانند و احوط اجتنابست مگر آنکه ضرورتی باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سایر اعمالیکه او را میباید کرد بجا آورد با او جماع میتوان کرد و در وطی دبر زن خلافت بعضی حرام میدانند و اکثر علماء مکروه میدانند و احوط اجتناب است و بهتر آنست با زن خود که جماع کند و آزاد باشد منی خود را بیرون فرج نریزد و بعضی علماء حرام میدانند بیرخصت زن و در کنیز باکی نیست.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید مرد رادخول کردن بزن خود در شب چهارشنبه. حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که هر که جماع کند با زن خود در تحت الشعاع پی با خود قرار دهد افتادن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این میشود که فرزند سقط شود و نزدیکست که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی کسی را که صرع می گیرد اکثر آنست که یا در اول ماه یا در آخر ماه میباید.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که جماع کند با زن خود در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بخوره یا پیسی پس ملامت نکند مگر خود را.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که دشمن ما اهل بیت نیست مگر کسیکه والدان یا مادرش در حیض باو حامله شده باشد.

در چندین معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که چون کسی خواهد با زن خود جماع کند بروش مرغان بنزد او نرود بلکه اول با او دست بازی و خوش طبعی بکند و بعد از آن جماع

بکند.

در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت جماع سخن مگویند که بیم آنست فرزندی که بهم رسد لال باشد و در آن وقت نظر بفرج زن مکنید که بیم آنست فرزندی که بهم رسد کور باشد و در روایات دیگر از آنحضرت منقول است که باکی نیست نگاه کرده بفرج در وقت جماع. در چندین حدیث معتبر وارد شده است که مرد و زن در حالتی که خضاب بحناء و غیر آن بسته باشند جماع نکنند.

از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از روی مرد وزن دور شود چیست ؟ فرمود باکی نیست باز پرسیدند اگر کسی فرج زن را ببوسد چون است ؟ فرمود باکی نیست. از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و باو نظر کند چو نیست ؟ فرمود که مگر لذتی از این بهتر میباشد و پرسیدند که اگر بدست و انگشت با فرج زن و کنیز خود بازی کند چو نیست ؟ فرمود باکی نیست اما بغیر اجزای بدن خود چیزی دیگر در آنجا نکنند. و پرسیدند که آیا میتواند در میان آب جماع بکند فرمود باکی نیست.

در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود باکی نیست. حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با زن و کنیز خود جماع نکند در خانه که طفل باشد که آن طفل زناکار میشود یا فرزندیکه از ایشان بهمرسد زناکار باشد.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که فرمود بحق آن خداوندی که جانم در فبضه قدرت اوست اگر شخصی با زن خود جماع کند و در آن خانه شخصی بیدار باشد که ایشان را ببیند یا سخن و نفس ایشان را شنود فرزندی که از ایشان بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد.

چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام اراده مقاربت زنان مینمودند خدمتکاران را دور می کردند و درها را میبستند و پرده ها را می انداختند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی با کنیزی جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر پیش از

غسل جماع کند، وضو بسازد.

در حدیث صحیح وارد شده است که باکی نیست باکنیز و طی کند و در خانه دیگری باشد که ببیند و شنود و مشهور میان علماء آنست که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروهست که در میان دو زن آزاد بخوابد.

در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست مرد میان دو کنیز و دو آزاد بخوابد و فرمود کراحت دارد مرد روبقبله جماع کند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسید که آیا مرد عریان، جماع میتواند کرد، فرمودند که نه، و روبقبله و پشت بقبله جماع نکنند و در کشتی جماع نکنند. حضرت امام موسی علیه السلام فرمود دوست نمیدارم کسیکه در سفر آب نیابد برای غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف ضرری داشته باشد بر خود و بعضی از علماء قایل بحرمت شده اند. حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از آنکه کسیکه محتلم شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود اگر بکند و فرزندى بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را. حضرت صادق علیه السلام فرمود مکروه است جنب شدن در وقتیکه آفتاب طلوع میکند و زرد می باشد و همچنین در زردی آفتاب وقت فرو رفتن.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که مستحب است در شب اول ماه رمضان جماع کردن و از ابوسعید خدری منقول است که حضرت رسالت پناه وصیت نمود بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام یا علی چون عروسی داخل خانه تو شود کفشهایش را بکن تا بنشیند و پاهایش را بشو و آن آب را از درخانه تا منتهای خانه بپاش چون چنین کنی خدا هفتاد هزار نوع رحمت بر تو بفرستد که بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن برکت بهر گوشه آن خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی و خوره و پیسی تا در آن خانه باشد. و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت یا رسول الله بچه سبب منع کنم او را اینها؟ فرمود زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم میشود و فرزند نمی آورد و حصیریکه در ناحیه خانه افتاده باشد بهتر است از

زنی که فرزند از او بوجود نمیآید، پس فرمود که : یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و میان ماه که دیوانگی و حوره و خبط دماغ راه می یابد بآنزن و فرزندانش . یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی بهم رسد احوال خواهد بود. یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی حاصل شود ایمن نیستی که لال باشد و نگاه نکند احدی بفرج زن خود و چشم بپوشد در آنحالت که نظر کرده بفرج در آنحالت باعث کوری فرزند میشود. یا علی بشهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد مخنث یا دیوانه باشد. یا علی هر که جنب با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند که میترسم آتشی از آسمان بر هر دو نازل شود و بسوزاند ایشان را. یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه تو دستمالی از برای خود داشته باشی و او دستمالی از برای خود داشته باشد و هر دو خود را به یک دستمال پاک نکنید که دشمنی در میان شما پیدا میشود و آخر بجدانی میکشد. یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن آن فعل خران است و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رختخواب بول میکند. یا علی در شب عید فطر جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید شر بسیار از او بظهور آید. یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشت یا چهار انگشت در دست داشته باشد. یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد و کشنده مردم باشد یا رئیس و سرکرده ظلم باشد.

یا علی در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بوجود آید همیشه در بدحالی و پریشانی باشد تا بمیرد. یا علی در میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید جری باشد در خون ریختن . یا علی چون زنت حامله شود با او جماع مکن بی وضو که اگر چنین کنی فرزندی که بهم رسد کوردل و بخیل باشد. یا علی در شب نیمه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی حاصل شود شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد. یا علی در روز آخر ماه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور ظالمان باشد و هلاک بسیاری از مردم بر دست او بود. یا علی بر پشت بام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریا کننده و صاحب بدعت باشد. یا علی چون بسفیری بروی در آنشب که میروی جماع

مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش را بناحق صرف کند و اسراف کنندگان برادر شیاطین اند و اگر  
 بسفیری روی که سه روزه راه باشد جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد یاور ظالمان باشد. یا علی در شب  
 دوشنبه جماع بکن که اگر فرزندی بهم رسد حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد.  
 یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه و فرزندی بهم رسد بعد از سعادت اسلام او را روزی شود و  
 دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد. یا علی اگر جماع  
 کنی در شب پنجشنبه و فرزندی بهم رسد حاکمی از حکام شریعت یا عالمی از علماء باشد و اگر در روز  
 پنجشنبه وقتی که آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود و فرزندی بهم رسد شیطان نزدیک او  
 نشود تا پیر شود و خدا او را روزی میکند سلامتی در نیا و دین. یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه و  
 فرزندی بهم رسد خطیب و سخنگو باشد و اگر در روز جمعه بعد از عصر جماع کنی و فرزندی بهم رسد  
 از دانیان مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست آن فرزند از ابدال  
 باشد. یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیستی که ساحر باشد و دنیا را  
 بر آخرت اختیار نماید. یا علی این وصیت را از من بیاموز چنانچه از جبرئیل آموختم.  
 در حدیث معتبر منقول است که در روز عقد فاطمه صلوات الله علیها حق تعالی امر فرمود سدرۃ المنتهی را  
 که آنچه داری فرو ریز برای نثار حضرت فاطمه پس آنچه داشت از مروارید و مرجان و جواهر بر اهل  
 بهشت نثار کرد پس حوران نثار را بردند و تا روز قیامت مفاخرت میکنند و بهدیه بیکدیگر میفرستند و  
 میگویند که این نثار حضرت فاطمه است و در شب زفاف استراشهب حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 و سلم را آوردند و قطیفه بر روی آن انداختند و حضرت فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان لجام استر را  
 میکشید و حضرت رسول از عقب روان شد و در اثنای راه صدای ملانکه بگوش مبارک حضرت رسید  
 جبرئیل با هزار ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمدند و گفتند که حق تعالی ما را بجهة زفاف حضرت  
 فاطمه فرستاده است پس جبرئیل و میکائیل الله اکبر میگفتند و ملانکه با ایشان موافقت می نمودند و  
 باین سبب سنت شد که در شب زفاف الله اکبر بگویند.

در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما طعامها بعمل می آوریم و بسیار پاکیزه و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از هیچ طعامی نمیآید فرمود زیرا که برطعام عروسی نسیم بهشت میوزد چون طعامی است که برای حلال مهیا میشود.

در احادیث معتبره وارد شده است که سنتست عروسی در شب واقع شود و طعام در چاشت پخته شود و در بعضی از اخبار وارد شده است که نثار عروسی را میتوان برداشت اما چون غارت میکنند و از یکدیگر می ربایند کراهت دارد و علما گفته اند وقتی جایز است برداشتن که بقرائن معلوم باشد که صاحبانش راضی اند که مردم بردارند.

از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هرگاه شما را بعروسی بطلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما میآورد و چون شما را بجنایزه بخوانند زودتر بروید چون آخرت را بیاد شما می آورد.

در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد کنند و فرمود که هر که در میان راه جماع کند خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که پیاموزید از کلاغ سه خصلت را: جماع کردن پنهان و بامداد بطلب روزی رفتن و بسیار حذر کردن.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که هرگاه کسی خواهد با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زنان را کارها میباشد پیش از جماع و هرگاه کسی زنی ببیند و خوشش آید پس برود با اهل خود جماع کند که آنچه با این هست با آن هم هست و شیطان را بر دل خود راه ندهد و اگر زنی نداشته باشد دو رکعت نماز بکند و حمد خدا را بسیار بگوید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس از فضل خدا زنی سنوال کند که البته باو عطا میفرماید آنچه او را حرام بی نیاز گرداند.

در حدیث معتبر از حضرت رسول منقول است که چون مرد وزن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر زیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور میشوند.

در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جایز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه سال تمام شود پس اگر بکند و عیبی رسد بآن زن ضامن است.

در حدیث معتبر دیگر منقول است که مکروه است جماع کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن آفتاب تا بر طرف شدن سرخی طرف مغرب و در آن روزی که در آن روز آفتاب بگیرد و در شبیکه در آنشب ماه بگیرد و در شب یا روزیکه در آن باد سیاه یا باد سرخ یا باد زرد حادث شود والله اگر جماع کند در این اوقات پس او را فرزندى بهم رسد نبیند در آن فرزند چیزی را که دوست دارد زیرا که آیات غضب الهی را سهل شمرده . در فقه الرضا مسطور است که چون بعد از غسل دادن میت پیش از آنکه غسل کنی خواهی که جماع کنی وضو بساز بعد از آن جماع بکن.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که هرگاه کسی را دردی در بدن بهم رسد یا حرارت بر مزاجش غالب شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در حالت خضاب با زن خود جماع کند فرزندیکه بهم رسد مخنث باشد.

حضرت امام محمدباقر علیه السلام فرمود که زن آزاد را در برابر زن آزاد دیگر جماع مکن اما کنیز را در برابر کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست.

در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت صادق علیه السلام هرگاه بعد از جماع و پیش از غسل اراده جماع میکردند وضو می ساختند.

در روایت دیگر منقول است که اگر کسی انگشتی با او باشد که بر آن نام خدا نقش کرده باشند جماع نکند.



### فصل پنجم: در آداب نماز و دعا در شب زفاف و در وقت مقاربت زنان

در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقول است که چون عروس را بنزد تو بیاورند بگو که پیش از آن، وضو بسازد و تو هم وضو بساز و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده اند آمین بگویند و این دعا بخوان: **اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِیْ اَہْلَہَا وَوَدَّہَا وَرِضَاہَا وَارْضِنِیْ بِہَا وَاجْمَعْ بَیْنَنَا بِاَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَانْسَ اِنتِلَافَ فَاَءِ نِّکَاحِ الْحَلَالِ وَتَکْرَرَ الْحَرَامِ** بعد از آن فرمود که بدان الفت از جانب خداست و دشمنی از جانب شیطان است و می خواهد که آنچه را که خدا حلال گردانیده مکروه طبع مردم گرداند.

در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون در شب زفاف بنزد عروس بروی موی پیشانی اش را بگیر و روبقبله آور و بگو **اَللّٰهُمَّ بِاَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا وَبِکَلِمَاتِكَ اِسْتَحَلَلْتُهَا فَاِنْ قَضَيْتَ لِیْ مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَکًا تَقِیًّا مِنْ شِیعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیْهِ شَرَّکًا وَلَا نَصِیْبًا.**

در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که دست بر بالای پیشانی اش بگذار و بگو: **اَللّٰهُمَّ عَلٰی کِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا وَفِیْ اَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا وَبِکَلِمَاتِكَ اِسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا فَاِنْ قَضَيْتَ لِیْ فِیْ رَحِمِہَا شَیْنًا فَجْعَلْهُ سَوِیًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شَرَّکَ شَیْطَانٍ** راوی پرسید فرزند چگونه شرک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا ببرند شیطان دور میشود و اگر نبرند ذکر خود را با ذکر آنشخص داخل میکنند پس جماع از هر دو میباشد و نطفه یکی است پرسید که بچه چیز میتوان دانست که شیطان در کسی شریک شده است؟ فرمود که هر که ما را دوست میدار شیطان در او شریک نشده است و هر که دشمن ماست شیطان او را شریک شده است.

بر این مضمون احادیث از طرق عامه و خاصه بسیار وارد شده است.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که در وقت زفاف این دعا را بخواند: **اَللّٰهُمَّ بِکَلِمَاتِكَ**



اِسْتَحْلَلْتُهَا وَبِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وَلُودًا وَدُودًا لَا تَفْرَكَ تَاءَ كُلِّ مِمَّارَاحٍ وَلَا تَسْنُلُ عَمَّا سَرَحَ.

در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا بخواند: بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ

اِسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا وَفِيْ اَمَانَةِ اللّٰهِ اَخَذْتُهَا اَللّٰهُمَّ اِنْ قَضَيْتَ لِيْ فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ بَارًا تَقِيًّا وَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ فِيْهِ شَرَكًا لِلشَّيْطَانِ.

در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند راوی گفت که چه باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه اراده جماع داشته باشی بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اِنْ قَضَيْتَ مِنِّيْ فِيْ هَذِهِ اللَّيْلَةِ خَلِيْفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيْهِ شَرَكًا وَلَا نَصِيْبًا وَلَا حَظًّا وَاجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُّخْلِصًا مُّصَفًّى مِنَ الشَّيْطَانِ وَرِجْزِهِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ.

در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که شیطان شریک نشود بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وپنان ببرد بخدا از شر شیطان.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که چون کسی اراده جماع داشته باشد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِيْ پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان هرگز باو ضرر نرساند.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون اراده جماع کنی ایندعا بخوان : اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ وَلَدًا وَاجْعَلْهُ تَقِيًّا زَكِيًّا لَيْسَ فِيْ خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ اِلَى خَيْرٍ.

### فصل ششم: در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر واحکام ایشان

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی برای زنان غیرت جایز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است زیرا که از برای مردان چهار زن و از متعه و کنیز آنچه خواهد حلال گردانیده است و از برای زن بغیر از یک شوهر حلال نکرده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده نماید نزد خدا زناکار است و غیرت و رشک نمیبهرند مگر زنان بد و زنان مؤمنه صاحب رشک نمی باشند.

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود رشک بردن زنان از بسیاری دوستی ایشان است نسبت بشوهران.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که گفتن مرد با زن خود که من ترا دوست میدارم هرگز از دل او بدر نمیرود.

در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن فرمود لازم است که اطاعت شوهر بکند و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او تصدق نکند و روزه سنت بی رخصت او ندارد و هر وقت ارده نزدیکی او کند مضایقه نکند اگر چه بر پشت پالان شتر باشد و از خانه او بی رخصت او بدر نرود و اگر بی رخصت بدر برود ملانکه آسمان و زمین و ملانکه غضب و ملانکه رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد گفت یا رسول الله حق کی بر مرد از همه کس عظیمتر است فرمود که حق پدر گفت حق کی بر زن از همه عظیمتر است فرمود که حق شوهر، پرسید که من بر شوهر آنقدر حق ندارم که او بر من دارد؟ فرمود که از صد تا یکی که آنزن گفت که قسم میخورم بآن خدائیکه ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر نکنم.

در حدیث دیگر منقول است که زنی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و سؤال کرد از

حق شوهر بر زن چیست فرمود که زیاده از آنستکه توان گفت پس فرمود که از جمله حقها آنستکه روزه سنت بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بیرون نرود و بنیکوترین بوهای خوش خود را خوشبو کند و نیکوترین جامه های خود را بپوشد و بهترین زینتها خود را بپاراید و هر بامداد و شام خود را براو عرضه کند که اگر اراده جماع داشته باشد ابا نکند.

در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز بی رخصت او بکسی ندهد و اگر بده گناهی برای زنست و ثوابش برای شوهر و هیچ شب نخواهد که شوهر از او خشنماک باشد زن گفت هر چند شوهر بر او ظلم کرده باشد؟ فرمود که بلی.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر زنیکه شب بسر آورد و شوهر از او آزرده باشد نمازش مقبول نباشد تا شوهر از او راضی باشد و هر زنی که بوی خوش برای غیر شوهر بکند نمازش مقبول نیست تا آن بوی خوش را از خود بشوید.

فرمود سه کسند که هیچ عمل ایشان به آسمان بالا نمیرود: غلام گریخته و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسی که جامه خود را از روی تکبر بلند آویخته باشد.

در احادیث معتبره وارد شده است که جهاد مردان آنست که جان و مال خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهران و غیرت آوردن ایشان صبر کنند.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هرآینه میگفتم که زنان برای شوهران سجده کنند و فرمود که زن نماز خود را طول ندهد برای آنکه منع کند شوهر را از آنچه از وی خواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت بطلبد و او تاءخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته ملانکه او را لعنت کنند تا شوهر بیدار شود.

در حدیث صحیح منقول است که زن از مال خود هم چیزی بیرخصت شوهر نمیتواند داد مگر حج یا زکوة یا نیکی به پدر و مادر یا صلّه و احسان بخویشان.

در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر زنیکه بشوهرش بگوید که من هرگز از تو نیکی ندیده‌ام ثواب عملهایش همه برطرف میشود.

در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنستکه او را سیر کند و بدنش را بپوشاند و اگر بدی کند بر او بخشد و عفو کند.

در حدیث دیگر منقول است که رو ترش نکنند نزد او و یکروز نه یکروز روغن برای مالیدن باو بدهد و هر سه روز یکمرتبه گوشت برای او بیاورد و رنگ مانند حنا و وسمه هر شش ماه یکبار باو بدهد و در هر سال چهار جامه اش بدهد دو از برای زمستان دواز برای تابستان و باید که خانه اش را خالی نگذارد از روغن برای مالیدن سر و از سرکه و زیت و روزی یکمن کهنه قوت باو بدهد و میوه ها که همه کس خورند باو بخوراند و در عیدها زیاده از اوقات دیگر خوردنی برای او بگیرد.

از حضرت صادق منقول است که بترسید از خدا در حق دو ضعیف : یتیمان و زنان. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین شما آنکسی است که با زنان بهتر سلوک کند و فرمود که عیال مرد اسیران اویند و محبوبترین بندگان نزد خدا کسی است که احسان باسیران خود بیشتر بکند.

حضرت صادق فرمود که موجب هلاک صاحب مروتست که در شهری که زنش در آنشهر باشد شب در خانه دیگر بخوابد و نزد او نیاید.

حضرت امیرالمؤمنین وصیت فرمود بحضرت امام حسن علیه السلام که زینهار مشورت با زنان مکن، راعی ایشان ضعیف و عزم ایشان سست است و ایشانرا پیوسته در پرده بدار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که بغیر از تو مردی را نشناسند و بایشان خدمتی بغیر آنچه متعلق بخودشان دارد مگذار که این از برای حال ایشان و خوشنودی ایشان حسن و جمال ایشان بهتر است زیرا که زن گلی است خدمتکار نیست و همچنین خودش را گرمی دار و سخنش را در حق دیگران قبول مکن و خود را بسیار بدست او

مده.

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که زنان را در غرفه و بالاخانه جا مدهید و چیزی نوشتن بایشان میاموزید و سوره یوسف را تعلیم ایشان مکنید و چرخ رشتن بیاد ایشان بدهید و سوره نور را بایشان تعلیم کنید.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از آنکه زنان را برزین سوار کنند و فرمود که در نیکی اطاعت زنان مکنید تا آنکه بطمع نیفتد در امر کردن بشما ببیدها بخدا پناه برید از بدان ایشان و از نیکانشان در حذر باشید.

حضرت امام محمد باقر فرمود که رازی بایشان مگویند و در باره خویشان شما آنچه گویند اطاعت مکنید.

حضرت امیرالمؤمنین فرمود که مردیکه کارهای او را زنی تدبیر کند ملعونست.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم چون اراده جنگ داشتند با زنان خود مشورت میکردند و آنچه ایشان می گفتند خلاف آن میکردند.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که اطاعت زن خود بکند خدا او را سرنگون در جهنم اندازد گفتند یا رسول الله این اطاعت کدام است ؟ فرمود که از او رخصت طلبد که برای سیر بحمامها و عروسیها و عیدها و عزاها برود و او رخصت بدهد و جامه های نازک از او طلبد که در بیرون بپوشد و برای او بگیرد.

در حدیث دیگر فرمود که مثل چنین مثل استخوان کج پهلوس است اگر او را بحال خود می گذاری منتفع میشوی و اگر میخواهی که راست کنی میشکند پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان و بدانکه از جمله حقوق زن بر مرد آنستکه هر چهار ماه یکمرتبه با او جماع کند اگر حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجبست و اگر چند زن داشته باشد و پیش یکزن یکشب بخوابد واجب است که پیش آنهای دیگر هر

یک، یک شب بخوابد و جمعی را اعتقاد آنست که مطلقاً واجبست که پیش هرزنی هر چهار شب یکشب بخوابد خواه یکزن داشته باشد و خواه زیاده و این احوط است و در کنیز و متعه اینها واجب نیست اما بهتر آنست که کنیزی که داشته باشد یا خود دفع شهوت او بکند یا او را بشوهر دهد و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر نکنند و آنها زنا کنند گناهش بر اوست و مشهور میان علماء آنست که اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخواهد اگر باکره است تا هفت شب مخصوص اوست و اگر غیر باکره است تا سه روز.

### فصل هفتم : در بیان دعا‌های طلب فرزند و فضیلت آن

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است فرزند صالح گلیست از گلهای بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است و فرمود که فرزند بسیار بهم رسانید که من ببسیاری شما در قیامت مباحثات خواهم کرد.

حضرت امیرالمؤمنین فرمود بیماری ای که بفرزند برسد کفاره پدر و مادر او است. در حدیث صحیح منقول است که روزی جبرئیل نازل شد و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود دو طفل ما آزار داشتند و بگریه ایشان متاعذی شدیم جبرئیل گفت که یا محمد حق تعالی برای فرزندان شما شیعه چند برانگیزد که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** باشد و چون هفت سال بگذرد گریه ایشان طلب آمرزش باشد برای پدر و مادر پس چون بحد بلوغ برسند پدر و مادر در ثواب ایشان شریک باشند و در گناهشان شریک نباشند.

از حضرت رسول منقول است که زن از روزیکه حامله میشود تا وضع حملش میشود تا فرزند را از شیر باز میگیرد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد کافران مرابطه نماید و دفع ایشان از مسلمانان کند و اگر در این مابین بمیرد ثواب شهیدان را دارد.

در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که عیسی بقبری گذشت که صاحبش را عذاب میکردند پس در سال دیگر بهمان قبر گذشت صاحبش را عذاب نمیکردند، از آنحال سوال کرد از پروردگار خود وحی باو رسید که در این سال فرزند شایسته از او بحد بلوغ رسید و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را جا داد باین سبب او را بکرده فرزندش آمرزیدم پس حضرت فرمود میراثی که از برای خدا از بنده میماند فرزندیست که بعد از او عبادت خدا کند.

در روایت دیگر منقول است که کسیکه بی فرزند بمیرد گویا هرگز در میان مردم نبوده است و کسیکه بمیرد فرزندی از او بماند گویا نمرده است.

در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حقتعالی بردختران مهربانتر است از پسران و هر مردیکه منادی برسناند بزنیکه با او خویشی داشته باشد و محرم او باشد خدا او را در قیامت شاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دختران حسناتند و پسران نعمتند و خدا بر حسنه ثواب میدهد و از نعمت سؤال میکند.

آنحضرت یکی از اصحاب خود را فرمود که شنیده ام دختری بهمرسانیده و نمیخواهی او را چه ضرر دارد بتو؟ گلی است بو میکنی او را روزیش برخداست و حضرت رسول پدر دختران بود.

در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم از پروردگار خود که ستوال کرد دختری او را روزی کند که بعد از مرگ بر او گریه کند فرمود که هر که آرزوی مرگ دختران کند و بمیرند ثواب نداشته باشد و در قیامت نزد خدا عاصی باشد.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نشست بود خبر باو رسید که دختر برای او متولد شده است رنگش متغیر شد حضرت فرمود که زمین او را بر میدارد و آسمان براو سایه میافکند و خدا روزیش میدهد و گلیست او را می بونی پس روبه اصحاب خود کردند و فرمودند که هر که یک دختر دارد بارش گرانست و هر که دو دختر دارد بخدا سوگند که بفریاد او برسید و کسی که سه دختر داشته باشد جهاد و سایر آزارها را از او بردارید و کسیکه چهار دختر داشته باشد ای بندگان خدا او را یاری کنید ای بندگان خدا باو قرض بدهید ای بندگان خدا باو رحم کنید.

در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که سه دختر یا سه خواهر را نفقه دهد او را بهشت واجب میشود بعد از آن فرمود که هر که دو تا یا یکی را هم نفقه دهد بهشت او را واجب شود.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی را فرزند دیر بهمرسد این دعا را

بخواند: **اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَحَيْدًا وَخَشَا فَيَقْصُرُ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي**

**عَاقِبَةً صِدْقٍ ذُكُورًا وَأَنَا أَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ يَا**



وَهَابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعْظِمُ ثُمَّ أَعْطَنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغُنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ  
الْأَمَانَةِ وَوَفَاءِ بِالْعَهْدِ.

در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب فرزند در سجده این دوآیه را بخواند رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ  
ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ.

و در روایت دیگر فرمود که هر که خواهد زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بکند و رکوع  
و سجود را طول بدهد پس بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ زَكَرِيَّا رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ  
الْوَارِثِينَ اَللّٰهُمَّ هَبْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ اِسْتَحَلَلْتُهَا وَفِيْ اَمَانَتِكَ اَخَذْتُهَا  
فَاِنْ قَضَيْتَ فِيْ رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُّبَارَكًا زَكِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيْهِ شَرَكًا وَلَا نَصِيْبًا.

در روایت دیگر منقول است که ابرش کلبی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که مرا فرزند  
نمیشود فرمود که در هر روز یا هر شب صد مرتبه استغفار کن و بهتر آنستکه اَسْتَغْفِرُاللهَ رَبِّيْ وَآتُوبُ اِلَيْهِ  
بگوید. در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هر صبح و شام هفتاد نوبت سُبْحَانَ اللهِ پس ده

نوبت اَسْتَغْفِرُاللهَ رَبِّيْ وَآتُوبُ اِلَيْهِ پس نه نوبت سُبْحَانَ اللهِ پس یک نوبت اَسْتَغْفِرُاللهَ رَبِّيْ وَآتُوبُ اِلَيْهِ

بگوید راوی میگوید که جمع کثیر باین عمل مداومت کردند و فرزندان بسیار بهم رسانیدند و در هر یک  
از این ها بگفتن اَسْتَغْفِرُاللهَ تنها اکتفا میتوان کرد. در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه

السلام منقول است که از برای فرزند در هر سحر صد مرتبه استغفار بکن و اگر شبی فراموش کنی در

وقت دیگر قضا کن و شخص دیگر بآنحضرت شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که چون اراده

جماع کنی بگو اَللّٰهُمَّ اِنْ رَزَقْتَنِيْ ذَكَرًا سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا. در حدیث دیگر منقول است شخصی بخدمت امام

رضا علیه السلام شکایت کرد که همیشه بیمارم و مرا فرزند نمیشود فرمود که در خانه خود صدا باذان

گفتن بلند کن چنان کرد بدنش صحیح شد و فرزندان بسیار بهمرسانید. در حدیث دیگر از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام منقول است که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود حضرت فرمود که

چون خواهی که به نزد زن خود بروی این سه آیه را بخوان انشاء الله خدا ترا فرزندی روزی میکند. وَاَنتَ  
النَّوْنِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِى الظُّلُمٰتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّى كُنْتُ مِنَ  
الظَّٰلِمِيْنَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِى الْمُؤْمِنِيْنَ وَزَكَرِيَّا اِذْ نَادٰى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِى فَرْدًا وَاَنْتَ  
خَيْرُ الْوٰرِثِيْنَ. در حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نشود نیت کند که اگر مرا فرزند بشود علی نام  
خواهم کرد و اگر چنین کند خدا او را پسری روزی کند. از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول  
است که هر که این دعا را بسیار بخواند هر چه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت خدا باو عطا  
فرماید رَبِّ لَا تَذَرْنِى فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوٰرِثِيْنَ وَاَجْعَلْ لِّى مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثْنِى فِى حَيٰوَتِى وَيَسْتَغْفِرْ لِّى  
بَعْدَ مَوْتِى وَاَجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطٰنِ فِيْهِ نَصِيْبًا اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْتَغْفِرُكَ وَاتُوْبُ اِلَيْكَ اِنَّكَ اَنْتَ  
الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ و از برای فرزند هفتاد مرتبه این دعا بخواند. از حضرت صادق علیه السلام منقول است که  
هرگاه زنی را حملی باشد و چهار ماه بر او بگذرد روی او را بقبله کن و آیه الکرسی بخوان و دست بر  
پهلوی او بزن و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّى قَدْ سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا یعنی خدایا من او را محمد نام کردم چون چنین کند خدا  
آنفرزند را پسر گرداند پس اگر او را محمد نام کند مبارک باشد و اگر نام نکند خدا اگر خواهد باو بخشد.  
در چند حدیث معتبر وارد شده است که هر که زن او حملی داشته باشد وعزم کند که او را محمد یا علی نام  
کند او پسر شود. در حدیث دیگر آنستکه او را علی نام کن که عمرش درازتر باشد. در کتاب طب الانمه  
روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد کمی فرزند را  
آنحضرت فرمود سه روز بعد از نماز صبح و نماز خفتن هفتاد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ و هفتاد مرتبه  
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ بگو و بعد از آن این آیه را بخوان اِسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ اِنَّهٗ كَانَ غَفٰرًا يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا و  
يُمِدُّكُمْ بِاَمْوَالٍ وَّبَنِيْنَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنٰتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ اَنْهٰرًا پس در شب سیم بازن خود جماع کن که خدا  
پسریکه خلقتش درست باشد بتو عطا میفرماید. در کتاب نوادر الحکمه روایت کرده است که شخصی بنزد  
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت یابن رسول الله هشت دختر بهم رسانیده ام و روی  
پسری ندیده ام حضرت فرمود وقتیکه در میان پای زن بنشینى دست راست خود را بر جانب راست ناف

زن بگذار و سوره انا انزلناه را هفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع کن و چون اثر حمل ظاهر شود پس در شبها دست بر جانب راست ناف زن بگذار و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوان آن مرد گفت که چنین کردم و هفت پسر پی هم خدا بمن روزی کرد. از حضرت امام حسن منقول است که هر که فرزند خواهد باید که استغفار بسیار گوید.

### فصل هشتم : در احکام ایام حمل و آداب روز ولادت و نام نهادن طفل

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن حامله به بخورد تا فرزندش خوشبوتر و رنگ فرزند صاف تر باشد.

بسند معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که اول چیزیکه زن زانیده بخورد باید که رطب باشد چنانچه حقه تعالی بحضرت مریم فرمود که بعد از زائیدن حضرت عیسی رطب بخورد گفتند که اگر وقت رطب نباشد چه کند؟ فرمود که نه دانه خرما از خرماهای مدینه بخورد و اگر نباشد نه دانه از خرماهنیکه باشد بخورد بدرستیکه حق تعالی میفرماید که بعزت و جلا خودم سوگند که هرزنی تازه زانیده که رطب بخورد فرزند او را بردبار گردانم.

در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که زنانرا بعد از ولادت فرزند خرما ی برنی بخوارنید تا آنکه فرزند زیرک و بردبار شود.

در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که بزنان حامله بخورانید کندر بدرستیکه طفل در شکم مادر کندر غذای او شود دلش محکم و عقلش زیاد میشود و اگر پسر باشد شجاع میشود و اگر دختر باشد سرینش بزرگ و بسبب این نزد شوهر عزیز میباشد.

در حدیث معتبر منقول است که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه چون وقت ولادت زن میشد میفرمود که زنانرا خانه بیرون کنید که اول مرتبه نظر زن بر عورت طفل نیفتد.

منقول است که چون بآنحضرت بشارت فرزند میدادند نمیپرسید که پسر است یا دختر بلکه اول میپرسید

که خلقتش درست است ؟ پس اگر میگفتند که درست است و عیبی در خلقتش نیست میفرمود **الْحَمْدُ لِلَّهِ**

**الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي شَيْئًا مُشْوَهًا** یعنی سپاس خداوند را که از من نیافرید فرزندیرا که قبیح و معیوب باشد.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون فرزند متولد شود بقدر عدسی از جاوشیر بگیر و در

آب حل کن و دو قطره در بینی راست طفل و یکقطره در بینی چپش بریز و در گوش راستش اذان بگو و در گوش چپش اقامه بگو پیش از آنکه نافش را ببرند که اگر چنین کنی هرگز ترس باو نرسد و ام الصبیان او را ضرر نرساند.

در حدیث دیگر فرمود که قابله با دیگری را بگویند که اقامه در گوش راستش بگویند که هرگز ضرر جنیان باو نرسد و دیوانه نشود.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کام طفل را بآب فرات بردارید و اقامه در گوشش بگویند. در روایت دیگر وارد شده است که کامش را بآب فرات و تربت امام حسین علیه السلام بردارید و اگر آب فرات نباشد بآب باران بردارید.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که کام فرزندان خود را بخرمای بردارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم چنین کرد با امام حسن و امام حسن صلوات الله علیهما و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که فرزندی از او متولد شود باید که اذان در گوش راست او و اقامه در گوش چپ او بگوید که نگاهدارنده او است از شر شیطان.

از حدیث ولادت حسنین صلوات الله علیهما ظاهر میشود که مکروه است طفل را در ابتدای ولادت در جامه زرد پیچیدن و سنتست که در جامه سفید پیچند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کام طفل خود را بتربت حضرت امام حسین علیه السلام بردارید که امام میدهد او را از دردها و بلاها.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا باو عطا کرده بود و گفت **رَزَقَكَ اللَّهُ شُكْرَ الْوَاهِبِ وَبَارَكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ وَبَلَغَ بِهِ أَشَدَّهُ وَرَزَقَكَ بِهِ** یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن خداوندی که فرزند را بتو بخشیده است و برکت دهد برای تو در آنچه بتو بخشیده است و او را بنهایت قوت برساند و روزی کند تو را نیکی او یعنی بتو نیکوکار باشد و نزدیک باین عبارات.



الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا  
اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ  
مَا يَرَكُونَ وَإِنْ نَشَاءُ نَغْرِقْهُمْ فَلَا يَصْرِخُ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ وَنَفْخَ فِي الصُّورِ  
فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ وَدَرِشْتَ كَاغْذَايْنَ آيَاتِ رَا بِنُوَيْسِدَ كَاءَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ  
لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ كَاءَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً  
أَوْ ضَحِيَّةً.

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که راست ترین نامها نامی است که دلالت بر بندگی  
خدا کند مثل عبدالله و بهترین نامها نام پیغمبران است.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرزند را در شکم مادر نام بگذارید و اگر نام نگذاری  
سقط میشود و در قیامت با پدر خود گوید که چرا مرا نام نگذاشتی و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم  
محسن فرزند حضرت فاطمه را در شکم نام گذاشت و محسن آن فرزند است که بعد از حضرت رسول  
هنوز در شکم بود که عمر علیه اللعنه او را شهید کرد.

از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که اول نیکی که پدر با فرزند خود میکند آنست که او را نام  
نیکی بگذارد.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که چهار فرزند از برای او بوجود آید و هیچیک را  
بنام من مسمی نسازد مرا جفا کرده است.

در حدیث دیگر از امام موسی علیه السلام منقول است که فقر و بینوائی داخل خانه نمیشود که در آنخانه  
نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه بوده باشد.

در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت : مرا  
پسری به هم رسیده است ، چه نام کنم ؟ او را فرمود که نام کن او را بهترین نامها نزد من که آن حمزه است.



از جابر منقول است که گفت با حضرت امام محمد باقر علیه السلام بخانه شخصی رفتم ، طفلی بیرون آمد حضرت از او پرسید که چه نام داری ؟ گفت محمد پرسیدند که چه کنیت داری ؟ گفت ابوعلی حضرت فرمود خود را از شیطان در حظیره محکمی در آورده بدرستی که هرگاه شیطان میشنود که کسی او را آواز می کنند یا محمد یا علی آب میشود تا آنکه بشنود که کسی را آواز میکنند بنام یکی از دشمنان ما شاد میشود و فخر می کند.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام گفت که خدا بمن پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام کرده او را؟ گفت محمد حضرت سر را بجانب زمین فرمود آوردند و مکرر است محمد را می گفتند تا آنکه نزدیک شد که روی ایشان بزمین برسد پس فرمودند که جان خودم و فرزندانم و زنانم و پدر و مادرم و جمیع اهل زمین فدای حضرت رسول الله علیه وآله وسلم باد چون او را چنین نام مبارکی کرده او را دشنام مده و او را مزین و بد باو مرسان و بدانکه هیچ خانه نیست که در آن اسم محمد باشد مگر آنکه هر روز آنخانه را مقدس و مطهر میگردانند.

در چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از نام گذاشتن باسم حکم و حکیم و خالد و مالک و فرمود که دشمن ترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و نهی فرمود از چهار کنیت ابو عیسی و ابوالحکم و ابومالک و ابوالقاسم در وقتی نام محمد باشد که نام و کنیت هر دو موافق حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نباشد.

در حدیث وارد شده است که یاسین نام نکند که مخصوص حضرت پیغمبر است.

از حضرت رسول منقول است که هر گروهی که جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد باشد یا حامد یا محمود یا احمد البته آنچه خیر است رایی ایشان بر آن قرار میگیرد. فرمود فرزندی را که محمد نام کنید او را گرامی دارید و جا از برای او در مجلس بگشائید و روبسوی او ترش نکنید و فرمود که هر اهل بیتی که در میان ایشان نام پیغمبری باشد البته حق تعالی هر روز صبح و پسین



ملکی میفرستد که دعا کند برایشان بقدرس و پاکی.

در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که نام را در روز هفتم تعیین بکنید و بدانکه از جمله اعمالیکه در وقت ولادت سنت مؤکد است غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که نیت کند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و سرش اول بشوید و بعد از آن جانب راستش را و بعد از آن جانب چپش را.

فصل نهم: در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب هر یک

بدانکه عقیقه فرزند سنت مؤکد است بر کسیکه قادر بر آن باشد و بعضی از علماء واجب میدانند و بهتر آنستکه در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش سنت است.

در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است بر کسیکه او فرزندی بهم رساند.  
در احادیث بسیار منقول است که فرزند در گرو عقیقه است یعنی اگر نکنند او در معرض مردن و انواع بلاها است.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه لازم است بر کسیکه غنی باشد و کسیکه فقیر باشد بعد از آنکه بهمرساند بکند و اگر بهم نرساند بر او چیزی نیست او اگر عقیقه برای او نکنند تا وقتیک قربانی برای او بکنند از عقیقه مجزیست.

در حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفندی برای عقیقه و بدست نیامد چه میفرمائید تصدق کنیم قیمتش را؟ فرمود که نه طلب کنید تا بیابید که خدا دوست میدارد خورائید طعام و ریختن خون را.

در حدیث دیگر پرسیدند که فرزندی که در روز هفتم بمیرد عقیقه اش میباید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند.

در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقول است که بخدمت آن حضرت عرضکرد که نمیدانم که پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه فرمود که عقیقه بکن، پس او در پیری خود را عقیقه کرد.

در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که فرزند را در روز هفتم نام می گذارند و عقیقه میکنند و سر می تراشیدند و موی سرش را بانقره میکشند و آن نقره را تصدق میکنند و پاوران عقیقه را برای قابله که مدد کرده است در زانیدن میفرستند و باقی را بخورد مردم میدهند و تصدق میکنند.

در حدیث موثق دیگر فرمود که هرگاه پسری با دختری برای تو متولد شود عقیقه میکنی در روز هفتم گوسفند یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و بوزن موی سرش طلا و نقره تصدق کن. در حدیث دیگر وارد شده است که ربع گوسفند را بقبایله میدهند و اگر بی قبایله زانیده باشد آن را بمادر میدهند که بهر که خواهد بدهد اقلاً بخورد ده کس از مسلمانان بدهد و هر چند زیاده باشد بهتر است و خود از گوشت عقیقه نمیخورد و اگر قبایله زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند باو میدهند. در روایت دیگر وارد شده است که بقبایله ثلث گوسفند میدهند. مشهور میان علما آنستکه عقیقه یا شتر یا گوسفند یا بز میباشد.

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در روز ولادت اذان در گوش حسنین صلوات الله علیهما گفتند و حضرت فاطمه در روز هفتم از ایشان عقیقه کردند و بقبایله پای گوسفند را دادند با یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا در شش یا بیشتر و اگر بز باشد یک ساله یا در دو باشد یا بیشتر و اگر گوسفند باشد اقلاً ششماه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و میباید که خصیه اش را نکشیده باشند و بهتر آنست که نمالیده باشند و مغز شاخش نشکسته باشد و گوشش نبریده باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار لنگ نباشد که برآن راه رفتن دشوار باشد.

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوبست غرض گوشت است هر چند فربه تر باشد بهتر است و مشهور میان علماء آنست که سنت است که عقیقه پسر نباشد و عقیقه دختر ماده باشد و گمان فقیراینست که از برای هر دو گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره بسیار و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوبست و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آنستکه از طعامیکه در آن پخته باشد نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است و بهتر آنستکه عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان میباشد از آن گوشت و طعام

نخورند و سنتست که استخوانها را نشکنند بلکه از بندها جداکنند و سنتست که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش آن است که بآب و نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد، و اگر خام تصدق کنند هم خوبست و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد قیمتش را تصدق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر کند تا بهم رسد و شرط نیست که جماعتی که بخوردن عقیقه حاضر شوند فقیر باشند اما صلحا و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور آنست که سنت است که اول سر بتراشند و آخر عقیقه را بکشند.

در حدیث وارد شده است که سر تراشیدن و عقیقه را کشتن و موی سر را بطلا یا نقره کشیدن و تصدق کردن در یکجا و یک وقت میباید کرد و در سر تراشیدن سنتست که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند.

در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد حضرت رسول آوردند که برای او دعا کند و آن طفل کاکل داشت حضرت دعا برای او نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند اما روایتی وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو در جانب چپ سرایشان گذاشتند.

در روایت دیگر در میان سر و ممکن است که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در تراشیدن اول کراحت داشته باشد.

در روایتی وارد شده است که سنت است که زعفران بر سر او بمالند بعد از تراشیدن.

در احادیث بسیار نهی وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بر سر طفل و آن از عمل جاهلیت است.

در روایت معتبر مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این

دعا بخواند بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ عَقِيقَةً عَنْ فُلَانٍ و نام او را بگوید لَحْمُهُمَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهُمَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهُمَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ احْلِلْهَا وَقَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.

در روایت دیگر فرمود که این دعا بخوان بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَثَنَاءً عَلَى رَسُولِ

اللَّهُ وَالْعِصْمَةُ لِأَمْرِهِ وَالشُّكْرُ لِرِزْقِهِ وَالْمَعْرِفَةُ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلَ النَّبِيِّ پس اگر پسر باشد بگوید اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَ لَنَا ذَكَرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا عَظُمْتَ وَ كُلُّ مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَخْشَاءَ عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سَفَكْتُ الدَّمَاءَ لِأَشْرِيكَ لَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَبِجَايِ فُلَانِ بْنِ فُلَانِ نَامِ طِفْلِ وَ پدرش را بگوید.

در حدیث موثق دیگر فرمود که این دعا را بخواند یا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلدِّينِ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانٍ وَ نَامِ فرزند را ببرد پس آنرا بکشد.

### فصل دهم : در ختنه کردن پسران و دختران و سوارخ کردن گوش ایشان و آداب هریک

بدانکه در روز هفتم سنت مؤکد است ختنه کردن پسران و اگر در روز هفتم نکنند هم سنت است بعد از آن تا بالغ شدن طفل و بعد از بالغ شدن برخودش واجبست و بعضی گفته اند نزدیک ببلوغ بر ولی طفل واجب است و ختنه کردن دختران نیز سنت است و مستحب است که اندکی ببرند بسیار نبرند و سوارخ کردن نرمه گوش راست را و بالا گوش چپ از برای پسران سنت است.

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ختنه کنی فرزندان خود را در روز هفتم که بشتر پاکنیره میکند بدن طفل را و گوشت بدن او زودتر میروید و زمین کراحت دارد از بول کسیکه ختنه نکرده باشد.

در حدیث صحیح فرمود که گوش پسر را سوارخ کردن و در روز هفتم ختنه کردن از سنت است.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زمین نجس میشود از بول کسیکه ختنه نکرده باشند چهل روز.

در حدیث دیگر فرمود که زمین ناله می کند بسوی خدا از بول او.

در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که پسر را در روز هفتم ختنه کردن سنت است و اگر پیش اندازند باکی نیست.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود کسیکه مسلمان شود ختنه اش میکنند اگر هشتاد سال داشته باشد.

در چند حدیث وارد شده است که ختنه کردن در مردان سنت است و در زنان سنت نیست اما باعث این میشود که نزد شوهران گرامی باشند و چه چیز از این بهتر میباشد.

در حدیث معتبر منقول است که چون زنان بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هجرت کردند زنی آمد او را ام حبیب میگفتند و زنان را ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیب آن کاریکه داشتی

هنوز داری؟ گفت بلی یا رسول الله مگر آنکه نهی فرمانی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیاتاتو را بیاموزم که چه باید کرد چون ختنه کنی زنان را بسیار به ته مبر و اندکی بگیر که رو را نورانی تر و رنگ را صاف تر میگرداند و نزد شوهر عزیزتر میدارد پس ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطه گی میکرد حضرت فرمود که چون زنانرا مشاطه گی کنی برای جلا دادن پارچه های جامه بر روی ایشان مالیدن خوب نیست آب روی ایشانرا می برد و موهای دیگران را بموهای ایشان پیوند مکن.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در وقت ختنه کردن پسر این دعا بخوانند و اگر در آنوقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل بخوانند که از او حرارت آهن را از کشتن و غیر آن دفع میکند، دعا اینست اللهم هذه سنتک و سنة نبیک صلواتک علیه و آله و اتباع منالک و لنبیک بمشیتک و بارادتک و قضائک لامر اردته و قضاء حتمته و امر انفذته و اذقته حر الحدید فی ختانه و حجامته بامرانت اعرف به منی اللهم فطهره من الذنوب و زد فی عمره و ادفع الافات عن بدنه و الاوجاع عن جسمه و زده من الغنی و ادفع عنه الفقر فانک تعلم و لانعلم.

از حسین بن خالد منقول است که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کردم که تهنیت و مبارکباد فرزند را در چه روز باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن علیه السلام متولد شد جبرئیل علیه السلام برای تهنیت بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد در روز هفتم و امر کرد که او را نام بگذارند و سرش را بتراشند و عقیقه از برای او بکنند و گوشش را سوراخ کنند و همچنین در ولادت حضرت امام حسین علیه السلام در روز هفتم جبرئیل آمد و باینها امر کرد و ایشانرا دو گیسو بود در جانب چپ سر و در گوش راست در نرمه گوش سوراخ کردن و در گوش چپ بر بالای گوش.

از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه منقول است که اگر پسری را ختنه کنند و باز غلاف بروید و سر حشفه را پنهان کند می باید بار دیگر ختنه بکنند او را، زیرا که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول کسیکه ختنه اش در غلاف باشد تا چهل روز.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است کسی که ختنه نکرده باشد پیشنمازی مردم نکند و گواهیش مقبول نیست و اگر بمیرد براو نماز نکنند زیرا که بزرگترین سنتهای پیغمبر را ترک کرده است مگر آنکه از ترس مردن ترک کرده باشد.

در حدیث دیگر منقول است که اول زنی را که ختنه کردند هاجر مادر اسماعیل بود که ساره مادر اسحق از روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادتی خوبی او شد و از آنروز سنت جاری شد که زنانرا ختنه کنند.



### فصل یازدهم : در آداب شیر دادن و تربیت کردن فرزندان و رعایت ایشان

بدانکه منتهای شیر دادن فرزند دو سال است و مشهور میان علما آنستکه بی عذری زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر آنکه آزاری داشته باشد مضطر باشند و از بیست و یکماه کمتر ندهند مگر آنکه ضرورتی باشد که دایه بهم نرسد یا قادر بر اجرت او نباشد و مادر شیر نداشته باشد یا آزاری داشته باشد جمعی از علماء واجب میدانند که مادر بفرزند بخوراند از شیر اولی که به پستان میآید و گفته اند اگر آن شیر راندهند باقی نمی ماند یا قوت نمی یابد.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که نافع و مبارک ترین شیرها برای فرزند شیر مادر است.

در حدیث دیگر منقول است حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدند که مادر اسحق فرزند خود را شیر میدهد فرمود که ای مادر اسحق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان شیر بده که یکی بعوض طعام است و دیگری بعوض آب و فرمود که هر چه کمتر از بیست و یکماه شیر میدهند بفرزند ظلم است بر طفل.

در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه کبر شیر نده بفرزند شما و دایه یهودی و نصرانی میتوان گرفت اما فرزند را بایشان نباید داد که بخانه خود ببرند و منع می باید کرد ایشانرا از خوردن شراب و گوشت خوک و سایر چیزهائی که حرام است در دین مسلمانان و ایشان حلال میدانند.

در احادیث معتبره نهی کرده اند از شیری که از زنا بهم رسیده باشد.

در بعضی اخبار وارد شده است که اگر زنا کند و فرزندش بهم رساند گر صاحب کنیز حلال کند کنیز خود را و آن مردی را که زنا کرده است آن شیر را بفرزند میتوان داد و در اخبار نهی وارد شده است از شیر زنی که خودش از زنا بهم رسیده باشد.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از شیر زن احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد زیرا

آه شیرتاءثیر میکند در فرزند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که دایه بگیرید که بصورت و سیرت نیکو باشد زیرا که در طفل سرایت می کند و طفل شبیه میشود بدایه در صورت و سیرت.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرزند خود را تا هفت سال بگذار که بازی کند و بعد از آن تا هفت سال دیگر سعی کن در تربیت او اگر نیک شد دیگر سعی کن و اگر نه امید خیری از او نیست.

در حدیث دیگر فرمود که هفت سال او را بگذار که بازی کند و هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت سال دیگر حلال و حرام خدا را باو بیاموز.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که طفل را هفت سال نگاه داری و تربیت بدنش باید کرد و هفت سال آداب باو می باید آموخت و هفت سال دیگر خدمتش میباید فرمود و تا بیست و سه سال قدش بلند میشود و تا سی و پنج سال عقلش زیاد میشود و دیگر بعد از آن تجربه ها او را حاصل میشود.

در روایت دیگر وارد شده است که پسران که شش ساله شدند میباید که با یکدیگر در یک لحاف نخوابند.

در روایت دیگر وارد شده است که پسران و دختران که ده ساله شوند باید که رختخواب ایشانرا جدا کنند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که فرزندان خود را زود احادیث بیاد ایشان بدهید که مخالفان ایشانرا گمراه نکنند.

در احادیث معتبره وارد شده است که تاءدیب کنید فرزندان خود را بر محبت علی بن ابی طالب علیه السلام اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادرهایشان یعنی این علامت فرزند زنا است که قبول محبت امیرالمؤمنین علیه السلام نمیکند.

حضرت صادق فرمود که هر که محبت ما اهل بیت را در دال خود بیابد مادرش را بسیار دعا کند که با پدرش خیانت نکرده است و از حضرت رسول منقول است که حق فرزند بر پدر آنست که او را بنام نیکو بخواند و نیکو تاءدیب کند و بکسب نیکو او را بدارد.

در حدیث دیگر منقول است که سکونی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت من غمگینم فرمود که سبب غم تو چیست گفت خدا بمن دختری داده است فرمود که ای سکونی زمین او را برمیدارد و روزیش برخداست و زندگانی میکند بغیر عمر تو و روزی تو را نمیخورد پس فرمود که او را چه نام کرده گفت فاطمه حضرت فرمودند که آه و دست بر پیشانی گذاشتند و فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند حق فرزند بر پدر اگر پسر باشد آنستکه مادر نیک برای او بگیرد و نامش را نیک تعیین کند و قرآن باو بیاموزاند و او را ختنه کند و شناگری یاد دهد او را و اگر دختر باشد مادر نیک برای او قرار دهد و نامش را نیک کند و سوره نور به یاد او دهد و سوره یوسف باو بیاموزاند و در بالا خانه ها جاندهد و او را زود بخانه شوهر فرستند پس فرمود که چون فرزند خود را فاطمه نام کرده او را دشنام مده و نفرین مکن و مزن.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بفرزندان خود بیاموزانید شنا کردن و تیرانداختن را و حضرت امام موسی فرمود که شوخی و کج خلقی طفل در کودکی علامت آنست که در بزرگی دانا و بردبار خواهد بود.

از حضرت رسول مرویست که پدر و مادر را نیز گناه عقوق فرزند میباشد و عاق فرزندان میشوند چنانچه پدر و مادر میشوند و فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان خود را در نیکی کردن بایشان.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی او راوی عرض کرد که چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از او بعمل آید قبول کند و کاری که براو دشوار باشد و نکند از او در گذرد و تکلیفهای دشوار باو نکند و سفاقت و تندبی باو نکند.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که با که نیکی کنم

فرمود که با پدر و مادر گفت ایشان مرده اند فرمود که با فرزند خود نیکی بکن.

در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید بایشان و اگر وعده کنید وفا کنید بآن زیرا که ایشان گمان میکنند که شما روزی می دهید ایشان را.

حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که خدا غضب نمیکند برای چیزی مثل آنکه غضب برای ظلم بر زنان و طفلان میکند.

در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که فرزند خود را ببوسد خدا حسنه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند خدا او را در قیامت شاد کند و هر که قرآن بیاموزاند بفرزند خود در قیامت پدر و مادر او را بطلبند و دو حله بایشان ببوشانند که از نور آن دو حله روی اهل بهشت روشن شود.

در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون او رفت حضرت فرمود که این مرد در نزد من از اهل جهنم است.

در حدیث دیگر فرمود هر که طفلی داشته باشد باید که با او طفلانه بازی کند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدا رحم می کند بنده خود را بسبب آنکه بسیار دوست دارد فرزند خود را.

در حدیث دیگر مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم دیدند شخصی را که دو پسر داشت و یک پسر را نبوسید و دیگری را میبوسید حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم مهربانی نکردی و بدانکه بهتر آنستکه در میان فرزندان زیادتى قرار ندهد مگر آنکه یکی عالم تر و صالح تر باشد و باین سبب او را زیادتى دهد.

در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون پسر سه ساله شود باومی

گویند که هفت مرتبه بگو **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد باو می گویند که هفت مرتبه بگوید **مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ** پس چهار سالش تمام شود باو می گویند که هفت مرتبه بگوید **صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ** پس چون پنج سالش تمام شود او را وامیدارند که خدا را سجده کند پس چون شش سالش تمام شود نماز بیادش میدهند و بنمازش میدارند و چون هفت سالش تمام شود وضو را باو یاد میدهند و امر بنماز میکنند او را چون نه سالش تمام شود وضو و نماز را خوب بیادش میدهند و بر ترک وضو و نماز میزنند پس چون وضو و نماز را یاد گرفت خدا پدر و مادرش را بیامرزد. در روایت دیگر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین نهی فرمود از آنکه حربه آهن باطفال بپوشانند یا بدست ایشان بدهند.

در حدیث معتبر دیگر فرمود آه چربی و کثافت دست و روی اطفال را در شب پیش از خواب بشویند که شیطان میآید و ایشانرا بو میکند و در خواب میترسند و ملانکه نویسندگان اعمال متاعذی میشوند. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است هر که ببازار رود و تحفه بخرد و بردارد و برای عیال خود بخانه آورد چنانستکه تصدقی برای جمعی از فقرا برداشته و بایشان رسانیده است و باید که اول بدختران بدهد پیش از پسران بدرستیکه هر که دختری را خوشحال کند چنان است که بنده از فرزندان اسمعیل را آزاد کرده است و کسیکه دیده پسری را روشن کند و او را شاد گرداند چنان است که از ترس خدا گریسته باشد و هر که از ترس خدا بگیرد خدا او را داخل بهشت گرداند. از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باطفال خود بخوارنید قات و گوشت در بدن ایشان میرویانند و استخوان ایشان را محکم میکند.

در حدیث دیگر فرمود که انار بخوارنید بایشان که زودتر بحد جوانی و قوت میرساند. در کتاب طب الاثمه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که اگر طفلی گریه بسیار کند یا زنی در خواب ترسد یا کسی از دردی بیداری بر او مستولی شود این آیه را بخواند **فَضْرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ**

فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَّدًا.

وارد شده است که دختری که شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و بردامن ننشاند.

در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام در مجلسی بودند دختری را بمجلس آوردند

مردم میبوسیدند و در دامن مینشانیدند و چون نوبت بحضرت رسید پرسید که چند سال دارد گفتند که

پنجسال حضرت او را دور کرد و نبوسید و بدامت ننشانید.

در حدیث دیگر وارد شده است که دختری که شش سالش تمام شود مادر او را برهنه در پهلوی خود

نخواباند که بمنزله زناست.

در حدیث دیگر وارد شده است دختریکه شش ساله شد پسران او را نبوسند و پسر که از هفت سال

بگذارد زنان را نبوسد.

در احادیث معتبره وارد شده است که معلونست کسیکه عیال خود را ضایع گذارد و خرج ایشان را ندهد

یعنی با قدرت.

حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که عیال آدمی اسیران او یند پس کسی را که خدا نعمتی باو کرامت

کند بر اسیران خود توسعه کند اگر نکند بزودی آن نعمت از او زایل شود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود هر که خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو خاله یا دو عمه را بکشد حاجب

او باشند از آتش جهنم.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که در بهشت درجه هست که بآن درجه نمی رسد مگر سه

کس : امام عادل و کسی که احسان به خویشان کند و صاحب عیالی که برخرج عیال و آزار ایشان صبر کند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پنج کسند که نفقه دادن ایشان واجبست فرزند و پدر و مادر و

زن و بنده و فرزند شامل فرزند فرزندان هم هست هر چند پائین روند و پدر و مادر شامل جد و جده

پدری و مادری هست هر چند بالا روند.

### فصل دوازدهم: در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت ایشان

بدانکه رعایت حرمت پدر و مادر از عمده شرایع دین است و ایشانرا از خود راضی داشتن از جمله اشرف طاعات است و عاق ایشان بودن و ایشان را از خود آزوده داشتن از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرموده است اگر پدر و مادر تو کافر باشند و تو را امر کنند که کافر شو در این باب اطاعت ایشان ممکن اما در دنیا با ایشان نیکو مصاحبت کن.

در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت مرا وصیتی بکن حضرت فرمود که تو را وصیت میکنم که بخدا شرک نیاوری هر چند تو را باتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگویی و دلت برایمان ثابت باشد و تو را وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی کنی خواه زنده باشند و خواه مرده باشند هر چند تو را گویند که از زن و مال خود بگذری بکن که این از جمله ایمان است.

در حدیث دیگر منقول است که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود آنکه نام او را نگویند و پیش از او راه نرود و پیش از آنکه پدر بنشیند او ننشیند و کاری نکنند که مردم به پدرش دشنام دهند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود که چه مانع است احد از شما را که احسان کند به پدر و مادر خود خواه زنده باشند و خواه مرده بآنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکند و حج بنیابت ایشان بکند و روزه از برای ایشان بدارد و آنچه میکند هم ثوابش بآنها عاید شود و هم بخودش و بسبب این نیکی که بایشان کرده است خدا ثواب بسیار باو میدهد.

در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت یا رسول الله با کی نیکی کنم؟ فرمود که با مادرت تا سه مرتبه پرسید چنین فرمود و در مرتبه چهارم فرمود که با پدرت .

در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت یا رسول

اللہ بسیار رغبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا که اگر کشته شوی نزد خدا زنده خواهی بود و روزی در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مزدت با خدا است و اگر زنده برگردی از گناهان بدر میآئی مانند روزیکه از مادر متولد شده گفت یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و نمی خواهند که من از ایشان جدا شوم حضرت فرمود که پس با پدر و مادر خود باش بحق آن خداوندی که جانم بدست قدرت اوست انسی که ایشان یکشنبه روز با تو داشته باشند بهتر است از یکسال جهاد کردن در راه خدا.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسیکه جزای حق پدر و مادر را نمیتواند ادا کرد مگر در دو چیز: یکی آنکه پدر بنده باشد و او را بخرد و آزاد کند یا بر او قرضی باشد و ادا کند. در حدیث دیگر فرمود که گاهست که کسی نیکوکار است با پدر و مادر در زندگی ایشان و بعد از مرگ ایشان قرضی ایشان را ادا نمیکند و طلب آمرزش برای ایشان نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر مینویسد و گاه هست که کسی عاق ایشانست در زندگی ایشان پس چون مردند قرضشان را ادا میکند و استغفار از برای ایشان میکند پس خدا او را نیکوکار مینویسد.

در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا بهیچ وجه در آن رخصتی نداده است: اول پس دادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار و خواه بد کردار. دوم وفا بعهد و پیمان کرده خواه با نیکوکار و خواه با بد کردار. سوم نیکی با پدر و مادر خواه نیکوکار باشند و خواه بد کردار.

در حدیث دیگر فرمود که ادنای حقوق پدر و مادر آنستکه اف بر روی ایشان نگوئی و فرمود که چون روز قیامت شود پرده از پرده های بهشت را بگشایند پس هر صاحب جانی بوی آنرا از پانصد ساله راه بشنود مگر کسیکه عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود کسیکه از روی خشم و غضب نظر بسوی پدر و مادر کند در وقتیکه بر او ظلم کنند ایشان، خدا هیچ نماز او را قبول نکند و در حدیث دیگر فرمود



که از عقوبت است آنکه کسی تندنظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که پدرم دید که شخصی پسرش با او راه می‌رود و تکیه بر دست پدر کرده است پدرم دیگر با آن پسر سخن نگفت تا زنده بود. حضرت صادق علیه السلام فرمود که با پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما بشما نیکی کنند و از زنان دیگران عفت کنید تا دیگران هم از زنان شما عفت کنند فرمود که هر که خواهد خدا سکرات مرگ را بر او آسان کند باید که با خویشان خود احسان کند و با پدر و مادر نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حقتعالی بر او آسان کند و هرگز در زندگانی او پریشانی نرسد. در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چهار خصلت است که هر کس از مؤمنان در او آن خصلتها جمع شود حق تعالی اعلا مراتب بهشت در بلندترین غرفه های عزت و شرف او را جا دهد: کسی که یتیمی را جادهد و متوجه احوال او گردد و از برای او بجای پدر باشد و کسیکه ضعیف و شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارهای او را متکفل شود و کسیکه خرج پدر و مادر را بکشد و با ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان کند هرگز ایشانرا آزوده نکند و کسیکه بنده خود را یاری کند و سفاهت و تندى با او نکند و اعانت کند او را بر خاماتیکه باو می فرماید و کاریکه بر او دشوار است باو نفرماید.

در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سه دعا است که البته مستجابست دعای پدر و مادر برای فرزند نیکوکار و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق ایشان باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسیکه انتقام او را از آن ظالم بکشد و دعای مؤمنیکه برای برادر مؤمنی دعا کند که او را از برای رعایت ما اهل بیت شریک در مال خود ساخته باشد و نفرین مؤمن بر کسیکه برادر مؤمنش باو محتاج شده باشد و قدرت داشته باشد که او را اعانت کند و نکند.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادر نظر کند هر نگاه کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر چند روزی صد مرتبه نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریم تر است.

در حدیث دیگر فرمود نگاه کرده بر روی عالم عبادتست و نظر کردن بسوی پدر و مادر از روی ترحم و مهربانی عبادتست و نظر کردن بر روی برادر مؤمنیکه برای خدا او را دوست داری عبادتست فرمود که سه گناه است که عقوبتش زود در دنیا باین کس میرسد عقوق پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم و کفران نعمت خدا و خلق کردن.

در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در میان بنی اسرائیل عابدی بود که او را جریح میگفتند و در صومعه خود پیوسته مشغول عبادت بود روزی مادرش بنزد او آمد و از مشغول نماز بود او را آواز داد جوابش نداد بار دیگر آمد و او را طلب کرد باز مشغول نماز شد و جوابش نداد و پس بار سیم آمد و او را طلب کرد باز سخن نگفت و مشغول نماز بود مادرش گفت که از خدای بنی اسرائیل می خواهم که تو را باین گناه بگیرد. در روز دیگر زن زناکاریکه در بنی اسرائیل بود آمد و نزد صومعه او نشست و فرزندى زانید و گفت این فرزند از جریح است با من زنا کرده است و این فرزند از او بهم رسیده است در میان بنی اسرائیل شهرت کرد که آنکسی که مردم را باین ملامت میکرد خود زنا کرده است و پادشاه فرمود که او را بردار کنند پس مادرش آمد و بر روی خود میزد جریح گفت خاموش باش که این آن بلانیست که به نفرین تو متوجه من شده است چون مردم این را شنیدند از سبب آن واقعه پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بو گفتند ما چون بدانیم که تو راست میگویی؟ گفت که آن طفل را بیاورید چون بیاوردند عابد از آن طفل پرسید که تو فرزند کیستی؟ طفل بامر الهی بسخن آمد و گفت من فرزند فلانکسی ام که شبانی گوسفندان فلان میکند پس از کشتن نجات یافت و سوگند خورد که تازنده باشد خدمت مادر بکند و از او جدا نشود و احادیث در حق پدر و مادر زیاده از آنست که استیفا توان نمود.

تذکر: احادیث موجود در متن این فایل با استفاده از فصل چهارم کتاب «حلیۃ المتقین» و فارغ از توجه به سند جمع آوری شده است.

تدوین: توسط وبلاگ «من و متعه ام» <http://man-mote.tumblr.com>

تابستان ۱۳۸۸ شمسی - قم المقدسه